

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد

سوره مبارکه مریم (جله پنجم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۳/۱۲/۶

برای اینکه ان شاء الله از برکات ولادت حضرت زینب (س) که به صدیقه صغری معروفند بهره مند بشویم و جلسه مان که نورانی است، نورانی تر بشود **صلوات**

برای اینکه ان شاء الله نسبت به این بزرگواران مانند حضرت معصومه (ع) احساس فرزندی به ما دست بدهد و به ایشان را به عنوان مادر خودمان تلقی کنیم و حس مادری نیز از جانب ایشان دریافت کنیم و بلکه حس استادی و خلیفه الهی و.. و این بزرگواران را منشا خیرات در زندگی مان بینیم و آن را احساس هم بکنیم **صلوات**

برای اینکه از این وضعیت یتیمی و فقر عواطف که نوعا ما گرفتار آن هستیم و به خاطر آن دست و پا می زنیم نجات پیدا کنیم و اینان منبع عواطف ما باشند و ما نیز حس رفعت و منعت را از جانب این بزرگواران دریافت کنیم **صلوات**

برای اینکه نام این بزرگواران در چشم ما بزرگ جلوه کند و هر وقت نام شیرین آنها بر زبان مان جاری می شود استعدادهایمان شکوفا بشود **صلوات**

برای اینکه ان شاء الله مفهوم زیبایی، جمال، حسن و مفاهیمی از این دست را به برکت این بزرگواران بتوانیم درک کنیم و مهم تر از همه مفهوم طهارت را به وسیله نام این بزرگواران مسح کنیم **صلوات**

از خدا بخواهیم که امشب ملائکه این بزرگواران را بر ما نازل کند و اخبار غیبی ایشان را به گوش جان ما نیز خوانده شود و به واسطه این قرائت زندگی ما رنگ و بوی خوبی به خود بگیرد **صلوات**

ان شاء الله برای این که از فضای توهم دوست داشتن به شهود دوست داشتن و از فضای خیالی بودن دوست داشتن به فضای حضور قدم برداریم و نشانه هایش را در زندگی مان بینیم حتی در ظاهر جسم مان و در عطرمان و در ظاهر رفتارمان نمود پیدا کند و خودمان هم یقین کنیم که به برکت آنها این عطر بر ما نازل شده است **صلوات**

اگر یاد و ذکر کسی حقیقی باشد، نشانه هایش هم حقیقی می شود مثل این که شما یک مدتی کنار یک گل معطر می نشینید و عطر آن گل به شما منتقل می شود و بقیه نیز متوجه می شوند که شما کنار آن گل بوده اید. حالا اگر نام زیبای حضرت مریم (س)، حضرت آسیه (س) و معصومه (س) بر ما جاری می شود پس باید بر روی جسم مان هم مانند عطر آن گل تاثیر داشته باشد یعنی باید حس معطر بودن را در ظاهرمان هم حس کنیم و بفهمیم که این حقیقت باعث بوده که این تاثیرات بر ما نزول پیدا کرده است.. جهت اینکه این اتفاق برای ما نیز بیافتد **صلوات**

برای اینکه این حرف هایی که زده شده در زندگی همه ما جاری شود و افراد آن را در زندگی شان به وضوح احساس کنند **صلوات**

وقتی ما یاد اهل بیت (ع) و بالاخص یاد نساء اهل بیت (ع) را می کنیم باید از زیبایی و جمال پروردگار صحبت کنیم.. در واقع می شود این گویا این فراز که «یا من اظهر جمیل..» به همین جهت سوره مبارکه مریم نیز مصداق یا من اظهر جمیل است یعنی خدا زیبایی اش را به وسیله حضرت مریم (س) نازل کرده است لذا در تدبر سوره، زیبایی آیات سوره و الفاظی که در آن به کار رفته است، لحن و چینش آیات اهل تدبر را مبهوت می کند. از طریق این زیبایی می شود فهمید که در این سوره خبری هست. بانس با سوره می توان فهمید که اینها مقام ذکر جمیل خداست که با نام حضرت مریم (س)، حضرت زکریا (ع) و حضرت یحیی (ع) تجلی پیدا کرده است. اینجا دیگر بحث زن و مرد مطرح نیست بلکه بحث جمال است که جنسیت هم ندارد ولی انتقالش به صورت ذکر حضرت مریم (س) یا نساء برتر عالم در ما ویژگی هایی را ایجاد می کند که با تامل در سوره بهتر متوجه آن خواهیم شد.

سوره مریم سوره زیبا کردن صورت انسان است. اگر کسی حالتش بعلت کاری که کرده از خودش بد است و یا کلا حس خوبی به خودش ندارد.. سوره مریم را بخواند و بداند که خدا گل بد او را (به گمان خودش) خوش گیل می کند بالاخص شنیدن صوت سوره خیلی اثر مثبت دارد. یا کسانی هم که دوست دارند بچه های در رحمشان زیبا شوند سوره مریم را بخوانند زیرا سوره مریم شدیداً روی صورت آدم ها اثر می گذارد.

اگر کسی احساس کرد عقبه خودش ابتر است یا این که ازدواج کرده و بچه دار نمی شود و یا تعداد بچه هایش کم است و یا اصلاً ازدواج نکرده و احساس عقبه نداشتن می کند، سوره مبارکه مریم را بخواند. با خواندن این سوره خدا به او عقبه عطا می کند. حالا اینکه چطور را ما نمی دانیم اما برای خدا راحت است (هو علی هین). اینطور دیگر آدم نباید نگرنا نداشته هایش باشد زیرا یکی از مشکلات اساسی زندگی انسان نگرانی است.. مثلاً همین نگرانی بچه

دارنشدنش را تشدید می کند و یا مجرد ماندش را و... هر کس نگران است از اینکه مقطوع بودن نسل بماند، سوره مریم را بخواند و دیگر نگران این همن باشد که خدا چه طور به او می دهد.. فقط مطمئن باشد که می دهد.

اگر انسان تنگ نظر نباشد، خداوند انواع و اقسام اعطاها را به او می کند. و مثلا حتی اگر به او بچه ندهد عطاها را دیگری می کند. خدا انواع و اقسام دادن دارد و ما نمی توانیم برای خدا تعیین تکلیف که فلان چیز را فلان طور بدهد. ما نباید دچار اضطراب بشویم.. اضطراب حالت تردد انسان و بهم ریختگی و آشفتگی است که گرفتارش می شود. یک موقعی کسی بهم ریخته نیست بلکه مضطر است. آدم می تواند مضطر باشد. اضطراب یعنی خودت را بی جهت اذیت کنی و حال خودت را بگیری! لذا نگرانی های دنیایی خوب نیست و باید کنار گذاشته شود چون اضطراب می آورد. اما نگرانی های آخرتی خوب است. اینکه مثلا فرد نگران این باشد که باید تقوا داشت و عمل صالح انجام بدهد.. خوب است و اسم آن هم خوف و رجاء است. تفاوت اضطراب با خوف و رجاء این است که خوف و رجاء انسان را به عمل، به زیاتر کارها، به سرعت داشتن سوق می دهد اما اضطراب دنیایی برنامه زندگی فرد را مختل می کند و او را کسل و خمود می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کهیعص (۱)

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا (۲)

إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (۳)

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبَّ شَقِيًّا (۴)

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا (۵)

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (۶)

بعضی چیزها در دغدغه آدم است مثلا اگر الان از شما پرسند دوست دارید بچه هایتان چه کاره بشوند هر کس چیزی می گوید.. دغدغه حضرت زکریا (ع) رضی شدن فرزندش بوده است. رضایت بالاترین آرزویی است که انسان می تواند از خدا داشته باشد. به آن نشان که در سوره فجر نیز گفته می شود «یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی

الله راضیه مرضیه». در روایات آمده که رضایت کمترین چیزی است که بین مردم وجود دارد زیرا اغلب مردم از یک چیزی ناراضی هستند لذا بهترین دعایی که می‌توانیم بکنیم این است که خدایا تو از دست ما راضی باش.

رضایت یعنی حسی که بعد از عطا در انسان ایجاد می‌شود. بعد از عطای کامل فرد حس می‌کند اشباع شده است. مثل این که یک نفر گرسنه است و شما مقداری غذا برایش می‌ریزید اما او احساس می‌کند که کم است لذا می‌حس رضایت ندارد.. شما هم آنقدر برایش می‌ریزید که راضی شود و بگوید بس است! این حس بس بودن که بر اثر عطا است را رضایت می‌گویند. رضایت محصول یقین است.

وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِسْمَاعِيلَ اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا (۵۴)

وَ كَانَ يَأْمُرُ اَهْلَهٗ بِالصَّلٰوةِ وَ الزَّكٰوةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِيًّا (۵۵)

خداوند بالاترین وصفی که از یک بنده می‌تواند بکند مرضی بودن اوست یعنی خدا از دست او راضی است. همانطور که بالاترین درجه قرب رضایت است از این طرف هم بالاترین وصف خدا از بنده مرضی بودن اوست.

حالا طبق برنامه‌ای که از جلسه قبل داشتیم از حضار در جلسه نکاتی را بگویند که باعث می‌شود نماز جایگاه ویژه‌ای در زندگی ما پیدا کند و نگاهمان به آن متحول شود.

### رویکردهای به نماز

- نماز را یک میهمانی بدانیم و شرایط یک میهمانی را برای آن فراهم کنیم. هرکسی به نسبت خودش میهمانی را ترتیب می‌دهد لذا میهمانی با غیر میهمانی باید با هم فرق داشته باشد.

- نماز را ستون زندگی دانستن، به معنی اولویت اول قائل شدن برای نماز

- نماز هوای تنفس باشد یعنی مشکل گشا بودن نماز یعنی آدم احساس بکند خدا یک قدرتی به او داده است برای اقامه نماز که هر قدر مشکلاتش بیشتر شد قدرت اهتمامش به نماز بیشتر شود زیرا باید بداند این کلید است و باید با تمسک به آن مشکلاتش را رفع کند.

به نمازهای ائمه در مفاتیح که نگاه می‌شود می‌بینیم هر کدام فضای خاصی دارند. فضای زندگی ایشان و شاخصه وجودی‌شان با نماز تعریف می‌شود و این یعنی خدا به ازای هر مشکلی یک نماز اختصاص به انسان می‌دهد.

بد نیست این مطلب نیز مطرح شود که هر انسانی متناسب با مشکلاتش به تدریج به یک نماز اختصاصی می‌رسد. هر انسانی در رزومه زندگی‌اش یک نماز اختصاصی وجود دارد مثلاً یکی استغفارش زیاد است یکی مثل حضرت جعفر تسبیحش زیاد است. این بستگی به سیر و سلوک و مشکلات زندگی هر کس دارد. اگر کسی این حرف را بپذیرد و برای خودش برنامه بریزد بعد از یک مدتی به آن نماز دست پیدا می‌کند و می‌فهمد که یک نمازی را برایش بطور اختصاصی در نظر گرفته‌اند.

- نماز را اقتدای به انسان جامع و کامل بینیم. وقتی این گونه باشد در واقع او را به زندگی مان احضار کرده- ایم و بودن و حضورش را پذیرفتیم.

- تکلم؛ یکی از موضوعاتی که در رده اول زندگی انسان است. اگر تکلم را از انسان بگیرید گویا همه چیز را از او گرفته‌اید. تکلم دو طرف دارد یک سمت مورد مخاطب قرار می‌گیرد و یک سمت می‌تواند کسی را مورد خطاب قرار دهد. در خود تکلم نوعاً به این رفت و برگشت اشاره می‌کند البته حالت‌های مختلفی دارد. مثلاً یک حالت این است که پذیرفته‌اید مورد خطاب باشید یا مورد خطاب قرار بدهید.

اینکه خداوند انسان را مورد خطاب قرار داده است که قطعی است اما اینکه انسان با خدا صحبت کند هم بوسیله دعا اتفاق می‌افتد. پس این موضوع دو وجه دارد یکی کلام خدا به انسان که به صورت وحی اتفاق می‌افتد و دیگری کلام انسان به خدا که به آن دعا می‌گویند.

باید رویکرد ما در نماز این باشد که نماز محل تکلم ما با خدا است یعنی یک جایی حرف می‌شنود مانند حمد و سوره و یک جایی هم خودش متکلم است مانند اذکار در رکوع، سجده و دعای در قنوت.

منظورمان از اینکه نماز برای انسان در محل تکلم باشد این است که انسان قدرت داشته باشد هم با خدا حرف بزند و هم حرف خدا را بشنود. در نماز هم می‌شنوید و هم می‌گویید یعنی در آن یک گفتگویی اتفاق می‌افتد گفتگویی دارد. در دعا فقط ما حرف می‌زنیم و در قرآن فقط ما می‌شنویم اما در نماز این دو طرفه است.

- محل رجوع در غم و شادی؛ دعایی در مفاتیح است به نام یستشیر که توضیح قسمت اول آن را در مفاتیح کامل آورده نشده است. روایتش این است که حضرت رسول(ص) فرمودند این دعا را حضرت جبرائیل به من تعلیم داد و به من دستور داد در حالتی آن را بخوانم و.. خواندن این دعا معلوم می‌کند که این دعا یک پشتیبان، ظهیر و کمک برای نماز است زیرا هر دو را باید در غم و شادی خواند و این دو بر روی هم سوار

می‌شوند. به نظر می‌رسد خواندن این دعا قدرت رجوع ما را در غم و شادی به نماز بالا می‌برد و اگر کسی احساس می‌کند نمازهایش خوب نیست این دعا را ولو اینکه نمی‌خواند اما آن را ببیند زیرا اسماء الحسنی در آن آمده که دیدن آن حال آدم را خوب می‌کند (ضمن آنکه توصیه پیامبر (ص) در مورد این دعا روی زمین نماند)

### راه‌های اهتمام به نماز

۱. دقت در اعمال روزانه
۲. دقت بر مستحبات بالاخص قبل از نماز
۳. توجه به وضو و آداب آن
۴. ترک محرمات
۵. اهتمام به نوافل
۶. تمرکز قبل از نماز و تفکر در هستی و اقتدای به رسول الله
۷. خدا را مورد مخاطب قرار دادن (مورد مکالمه قرار دادن در طول روز)
۸. زبان انسان به دعا و گوش انسان به وحی باز شود، یعنی نماز از یک طرف گوش باز کن و از طرف دیگر زبان باز کن دارد. درونش مهارت دارد و انسان باید دقت کند. این با عملیات رفتاری و ذکر همراه است. عملیات نماز خیلی انعطاف دارد مثلاً حتی می‌توانی در قنوت فارسی دعا کنی
۹. خواندن دعای یستشیر
۱۰. تنوع ذکر و سوره‌ها در نماز

این روایت را پیدا کنید و در مورد آن تامل کنید... «از امام باقر علیه السلام است که ملک الموت بر رسول خدا عرضه داشت که اهل هیچ خانه کلوخی یا موئی در هیچ خشکی یا دریایی نیست مگر این که من ۵ بار به ایشان در اوقات نماز نظر می‌کنم یعنی در صورت‌هایشان نگاه می‌کنم...» (وسائل الشیعه صفحه ۱۰۸)

خود اینکه نماز یک ارتباطی با مرگ پیدا می‌کند و اینکه چه گونه می‌شود پنج نوبت نماز می‌شود پنج نوبتی که انسان با مرگ روبرو می‌شود.. باید راجع به آن تامل کرد.

برای اینکه ان شاء الله دعاهايمان مستجاب شود و حال ما و ديگران خوب شود تصميم مي گيريم كه خودمان يك  
تغييری در خودمان ايجاد كنيم. یکی از راه‌های مهم در خوب شدن حال ديگران و استجابت دعایشان این است كه  
يك تغييری در خودمان ايجاد كنيم. بعضی وقت‌ها اثر این برنامه‌ها خیلی بیشتر است.

برای اینکه ان شاء الله گرفتاری‌های همه برطرف بشود **صلوات**

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات